

دیرامون حوادث جنگ

هو ایپماهای متفقین بر آسمان ایتالیا تسلط دارند مرتباً شهرهای این کشور بمباران میشود شیرازه امور ایتالیا بهم خورده است زمامداران محور نگرانند

آنرا منظر زخمی و دیست نمرجروح گردید.
همچنین ویلا سیدرو و سی مومانی را در ساردنی و فرودگاههای سیاکا و کاسل و تراواترا در سنیسل بمباران نموده این بمبارانها هنوز قطع نگردیده و مرتباً بر شدت آنها افزوده میگردد. در عرض چهار روز اخیر تلفات ایتالیا ۳۰۰ هواییابوده است در صورتیکه تلفات متفقین از ۱۶ هواییابا تجاوز نینموده است و همین بهترین دلیل بر نفوق هوایی متفقین بر آسمان ایتالیا است.

بمبارانها شدیدتر خواهد شد

مسئله این بمبارانها ادامه یافته و شدیدتر خواهد گردید. در مجلس نمایندگان انگلستان یکی از نمایندگان تقاضا کرده است که سه های ایتالیا نیز بمباران شود و متناهیترت هوایی بر این کشور وارد آید در اوایل که طیارات متفقین بر فراز شهرهای ایتالیا رفته اند این کشور را بشدت بمبارانهای هوایی تهدید نموده و نوشته شده است «طیارات متفقین شهرهای ایتالیا را خواهند پوشانند».

از ام اکنون زمساحه ارا ن محور سخت نگران گردیده اند زیرا آثار و علامت افزایش در ایتالیا پدیدار گردیده است.

در بین سران حزب فاشیست و متنفذین ایتالیا اختلاف عمده پدیدار گردیده است هر روز ضوابط از رهبران قبه در صحنه ۲



دویای مدیترانه محل پیاده شدن سربازان متفقین نخواهد بود تنها راه حمله بین دو تکرک و مصب رودخانه سوم است بمباران شهرهای ایتالیا

روزی بروز شدیدتر میشود
سران حزب فاشیست دستگیر میشوند
لندن - در آتیه نزدیک متفقین عملیات جسی شدیدی در هوا و در دریا بر علیه محورین خواهد نمود زیرا متفقین میگردند بمباران میشوند یکی از ایتالیا جدا شده اند. فرودگاههای سیسل و سه بندر سسین و ریجوسان حیوانی نیز که اهمیت زیادی در روابط با کالاریا دارند قبه در صحنه ۲

موشکافهای اجتماعی

منشأ عیوب اجتماعی ما چیست عدم تجانس وایدئولوژی طبقه متوسط همه چیز ما فردی است!

دوره تغیرن اولیه دوره است که کم و بیش در همه کشورها ما قبل از اینکه رژیم سرمایه داری بشام منی مستر گردد وجود داشته است و طبقه این دوره از طرفی ایجاد سرمایه کانی بوسیله اصلاح ملکیت فئودال و تبدیل مانو فاکتور و رژیم مست استانی به منابع عظیم و غصب و غیره بوده و از طرف دیگر تولیدتوده های وسیع پروتلاریا و مزدوران بوسیله تا راندن رعایا از دعوات و آوردن آنها بشهرها و سلسله ملکیت از طبقه متوسط و مالیاتهای سنگین میباشد.

از خواص مسلم این دوره غصب و خونریزی و سرآزیدن توده های دهاتی بطرف شهرها و رواج فساد و بالافزیه زلزله و اختلاط طبقاتی است.

در کشور ما دوره دیکتاتوری بیست ساله از میان دوره تغیرن اولیه است غصب ملکیت از همه زبانی از خورده مالکین و ملاکهای بزرگ بخصوص در مازندران بر هیچکس پوشیده نیست.

سجارت دام التزاید رعایا و کشاورزان بطرف شهرها و راهها که گاه از روی میل و گاه از روی اجبار بوده است همه کسی میداند.

بیماری از ساجی آسمانی بازار و جسی از اسران ارشد ارتش و رؤساء ادارات در اثر بیبیبی چاه خورده بیست ساله با خود را بقسمی ستانده که برای خود یک سرمایه دار دوست و حساسی هستند اگر طرف ظهر سری به سیزه میدان و جلوی بازار بریزند صف انوسیل های آخرین سیستم بقدری طویل است که سر و ته آنرا بشنوان تشخیص دادند صورتی که بیست سال پیش چهارتا خر ندری هم بزور در جوجه جامی آفاهاردمیشد.

اما کشور ما این دوره وادعراط بین المللی دیگری غیر از شرایط مالک اروپا گذرانده است. در زمانی مابعد که تغیرن اولیه اقتداریم که سرمایه دارهای دنیا در آنجا نشینان آخرین آخریه (ا) بوده و بار سفر آخریه را بر سه و نفعهای آخریه را میکنند. در دوره ما بخیا ایجاد سرمایه داری اقتداریم که در سایر ممالک دنیا تمام تحولات سرمایه داری انجام پذیرفته و نزار بین امپریالیستها بشتنا حد شدت رسیده است.

موتی ما میخواستیم باهامان را در جهنم سرمایه داری بکناریم که سرمایه دارهای دنیا در دوزخ بحران و دیرسیون و اغلامیون میسوختند. بدیهی است جریان داخلی ما هم باید با جریان صولتی تغیرن اولیه فرق داشته باشد. تسجیع و تکرک سرمایه که شروع شده بود سای پیدایش سریع شرکتهای سهامی وضع مخصوصی

آیا راست است؟

... که ۵۰ تن هم گرد و ۴۰ عدد چراغ اوجیهوس متعلق به اداره دفع آفات وزارت کشاورزی توسط دوفر از کارمندان آن اداره در بازار فروش رفته است؟
... که یکی از روسای دوائر دولتی قزوقین شرط پذیرفتن کارمندان را عدم شرکت در حزب توده ایران دانسته است؟
... که چندی قبل دو همونی شکر در انبار اقتصاد قزوقین مفقود شده و با وجود اطلاع دادستان از جریان امر قضیه مسکوت مانده است؟

پس از توقیف

نامه رهبر روز یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه بنام فرماندار نظامی تهران و بدون ذکر دلیل صفاً توقیف گردید.
ما زانده میدادیم در اطراف طلل و موجبات توقیف رهبر بحث کنیم زیرا در کشور که هنوز آزادیهای فردی و اجتماعی و اصول مسلمة قانون اساسی بازیه این و آن است این قبیل تعضلی ما حقوق مطبوعات امری عادی است و مادام که اجتمع ما از پایه تغییر نکند توسعه آزادی سخن و فکر بمنزله خوابهای خوش محکوم شده است.

خبر توقیف روزنامه رهبر در تمام ایران مانند بلب صدا کرد توده ایران باصله مختلف لاله و محبت خود را نسبت بروزنامه ما ابراز داشت مطبوعات مرز و بولایات متقارن توقیف نامه رهبر را خواستار شدند و هر یک نحوی یا ما را بردی نمودند.

روزنامه های ایران وهور امروز فردا و کوشش مردان کار و صدای ایران مردم امیدو ستاره جدا بر علیه این توقیف اعتراض کردند و بهرین طریق کلیه جرایم به پشتیبان ما برخاست از حقوق حقه ما دفاع نمودند.

روزنامه راستی جیب مشد مقامه اساسی شماره ۱۱ خود را به توقیف روزنامه رهبر تخصیص داد و تحت عنوان (رهبر عزیز ما هم توقیف شد) شرح مؤثری دایر بر همدردی با ما و اعتراض بر علیه توقیف این نامه نگاشت.

از کلیه نشاط ایران تلگرافات زیادی به هیئت دولت و مجلس و جرایم معارضه شد. توده و سنجش و روشن فکران امپمان، خراسان، آذربایجان، قزوقین، مازندران و سایر نقاط ایران برای دفع توقیف رهبر اقدامات جسی مؤثری کرده و با تظاهرات دوستانه خود تشویق و تقویت یابانندی از کارکنان این نامه نمودند.

اکنون که نامه رهبر از تو منتشر میشود. صمیمانه از این احساسات پاک و اقدامات دوستانه تشکر میکنیم و آرزو نمیداریم که با پشتیبانی ملت ایران باحوال وظایف ملی و اجتماعی خود را انجام دهیم.

احساساتی که از طرف جرایم تهران نسبت بروزنامه رهبر ابراز شده بقیده ما بهترین نبوت هستگی و هله منوی است که از لحاظ حرفه نامه نگاری بین مطبوعات این کشور ایجاد شده است.

تجربیات در راه اخیر یکبار دیگر ثابت نمود که جریا اتکاه به نیروی جسی موفقیت برای دست آوردن آزادی قلم و عقیده امکان پذیر نیست.

راهی که ما را برسر منزل مقصود خواهد رسانید و مطبوعات این کشور را از قید اسارت نجات خواهد بخشید تشکیل اتحادیه نیرومندی است که با علم کامل بوظایف حقیقی خود مردانه برای پشتیبانی از آزادی مطبوعات قدم کند و مستقیم بطرف هدف خویش پیش رود.

در حالتی که ما به پیچگونگی تغییر در خط مشی و رویه اساسی خود و با استظهار به پشتیبانی و احساسات ملت ایران و طبقه سنگین اجناس خود را دنبال میکنیم و مادام که قلم در تک راه داریم بدون هیچگونه زلزله و اتکاه حق مشروع آزادی قلم از ذکر حقایق و تفسیح ذهنیاتی این اجتناب فرودگذار نخواهیم بود.

در کلوب حزب توده ایران

هنر بی پیرایه

در آنتخاب چهارم داد ماه که در تمام حیطا سایه ای باقی نگذاشته بود چینیته ابوهی از اصناف وده نفعهای مختلف طبیعه بودند. روشن فکران با جمله های نظیف و کارگران و زنگران و علفها با لباسهای کپنه و ژنس و هیچکدام بگرما توجه نداشتند همه بستان ناطقی کوری

ملمعاتی حیطا ایستاده بود و حرف میزد گوش میدادند ناطق سخن رانی کوتاه خود را با جمله زنده یاد اتحاد کارگران و روشن فکران تمام میکرد. در شروع نطق خود متذکر همه بود که من می خواهم بناسبت ناطقی که امروز چند تن از رفقای اکثر و وحده از رفقای «آمانتور» مادر باره اتحاد روشنفکران و کارگران توامان داد دو سه کلمه صحبت کنم.

بلاخره تاثر شروع شد. آیا میتوان نام آنرا تاثر گذاشت جمعیت خلقه وار صحنه را احاطه کرده بود. وقتی میگوریم صحنه صحنه یک تاثر را بنظر نیآورید. صحنه تاثر مایک تیکه از حیطا بود. آفتاب روی سر تاشاچی و اکثر بی تاییه. عده کار گزوری پشت پام رفته ناشما میکنند. نه تاشاچی نه اکثر هیچکدام متوجه این نبودند که باندایشن کوچکترین وسائل و در اولیه ترین و صغیر ترین وضعیت مانند تزییه خوابهای ده دارند تاثر میدهند. همه جلب شده بودند. گلدگاه غریب یک دست زدن میجان آور که مانند طوفان دیوانه و سر کشی شروع میشد روحه عالیه جیب را بالا میبرد و فرخ گزنده هورا و بر آرویشته قبه در صحنه ۲

سازمان جوانان

جوانان این دستون از روزنامه رهبر مصوب شاست. مقالات آنرا بهواید زیرا شمارا با افکار نو آشنا میسازد، برده تاریخ اوهام و خرافاتی را که سازمان نادرست اجتماع در پیش چشمان شا کشیده پاره میکند و فکر پاک و نیروی جوان شمارا برای بدست آوردن سازمان نوینی که در آن زود زود رنگ و بزرگه فرمانروا نباشد آماده میکند

درد های اجتماعی، امین و آرزوها، محرومیتها، ادراکات و استنباطهای خودتان و بالاخره بی عدالتیها را که سازمان کنونی اجتماع بر شما روا داشته بنویسد تا در این ستون چاپ شود و کلیه رفقای جوان شما آنها را بدانند و در دل جای دهند تا روزی با نیروی اتحاد خود بتوانید پستی و بلندی های ناروای اجتماع را هموار سازید

مقاله زیر از ستون سازمان جوانان روزنامه راستی ارگان کیمه ایالتی حزب توده ایران در مشهد نقل شده است

از کجا آمده ایم و بگجا میرویم

بقلم ابوالحسن لیسایی علوم تربیتی و فلسفه
این تلاقی روزانه و این خشکی شبانه این رنجها و محرومیتها و ناگنجیها برای چیست؟

این هم ما که در زوایای دل نهفته ایم و این آرزوهای فتنه کهنه و هالی که در گوشه های خزینه خاطر جا داده ایم از ما چه میخواهند و ما از زندگی چه میخواهیم؟

زمانی کودک دبستانی خجسته و باجیز و بی زور و ناتوان و اسیر اراده مردی ضعیف کش و زور پرست بودیم که هر چه توانستند در کشتن روح آزاد و بلند پرواز ما اهتمام کردند و هر اندازه ممکن بود زبونی و پستی و بی حالی و بیچارگی را در ما وسوسه دادند

ما تصادف روزگار نترسیم و جان پدر بردیم و اینک در مرحله جوانی سیر میکنیم و چهارنعل بسوی بیبری میشتابیم
ما از زنگه ایم و زندگان هم محکوم زمانه و زمان پیوسته در حال اشتغال و تئیر و تحول است و یک لحظه بقی بر نیگردد و مگر نی غشود و یکدم سکون و رکود نیبندد و متوقف نیگردد

ما از گذشته آمده ایم و بسوی آینده میرویم و خواهی نخواهی سیر و حرکت ما باید در زمان صورت بگیرد ولی در این سفر خستی و اجتناب ناپذیر تا امروز در خطی سیر میکنیم و از این بیهوده باید در خطی دیگر حرکت نماییم تا امروز مانده غش و خفاشکی که تسلیم جریان امواج است ما نیر تسلیم جریان حوادث بودیم و با اختیار دیگران باین سوی و آن سوی رانده میشدیم و نمی دانستیم بگجا میرویم ولی از امروز باید در سر نوشت خود مداخله کنیم و باید بدانیم چه می خواهیم و بگجا میرویم و چرا زنده ایم و حق مشروع ما چیست و درست کیست

تا امروز شیوه ما سکوت و بردباری بود فرمان میدادند و زور میگفتند و ما چشم بسته اطاعت میکردیم. تحصیل میکردیم. مادام نیردیم، ما را اغفال میکردند و بطواهر بی حیقت فریب میدادند و ما بردباری میکردیم ولی امروز میفهمیم که سکوت و بردباری ما را دلیل قدرت و حسن تدبیر خود و نشانه ناتوانی و بیجربانی میدادند جوانان، ما چرا باید عاجز و ناتوان باشیم؟

ما که از آلودگیها پاک و موزنیم ما را بجزیم پاکدامنی محکوم به ناتوانی کرده اند و با حقوق مشروع حیاتی ما بازی میکنند ما را از توانائی منوی و از نیروی اخلاقی خود استفاده میکنند و حق را نیکبیریم حق را باید گرفت و ما برای گرفتن حق محتاج قدرتیم و برای تحصیل قدرت نیازمند اتحادیم

خجسته بر اساس قدرتی متکی نباشد موهوم است و قدرتی که تئیه اتحاد نباشد ست و ناپایدار است
ا. ابو الحمد

فوق وسط سازمان جوانان حزب توده ایران تهران روزنامه رهبر

روز جمعه ۲۲ و ۲۳ اردیبهار ورزشگاه با حضور عمده زیادی از اعضای کیمه سلی شلمی مسابقه فوتبال داده شد مسابقه یک بر هجیع بنق سازمان جوانان تمام شد و یکم زدن پسته حصار پایان یافت

از طرف سازمان جوانان شلمی - محمود عطیقی

در بیای مدیترانه

بقیه از صفحه اول
مرتباً بیابان میشوند شماره هوایسا های سزگون شده ایتالیا در عرض سه روز بالغ بر ۲۷۲ شده است در صورتی که در همین مدت فقط دوازده هوایسای متفقین از دست رفته است. ولی با وجود فریبانی که در نتیجه این عملیات ایجاد میشود تصور نیروی دریای مدیترانه میدان حله بر علیه اروپا گردد. لیتنون وزیر محصولات دروز اظهار داشته است که از قرار معلوم دریای مدیترانه عمل

یافته شدن سربازان متفقین نفع خواهد بود و مخصوصاً تأکید کرد که دولت نیرومند دریائی مانند انگلستان بیایست متفق نظامی نیرومندی مانند اتحاد جماهیر شوروی داشته باشد تا او را در عملیات زمینی کمک کند از این اظهارات چنین مفهوم میشود که تطبیق و هم آهنگی بین عملیات پیاده کردن سربازان از طرف متفقین و عملیات نظامی شوروی باید کامل باشد عجلاناً

آلبانیا خیلی مشوش شده اند و مصرین کند از این اظهارات چنین فکری می شود رسی آلمانی بشترج چگونگی خلات آینده متفقین میبازراندند. انگلستان ممکن برون - بنا بر خبری که از رین - رسیده است بر حسب درخواست

است از نروز شروع بعمله کند ولی در چنین صورتی تلفات زیادی متحمل خواهد شد. شروع حملات از کراهه های دانمارک ناچار بسون کله نیروی هوایی انجام خواهد گرفت و در نتیجه هوایسا ها و نیروی دریائی آلمان مقاومت منعی ابراز نخواهند داشت. بنا بر این تنها راه حله شروع بهاجه از طریق بلژیک و فرانسه بین دنکرک و مصب رود خانه سوم است میفرین آلمانی که این مطالب را مطالعه میکنند اقرار دارند که انگلیسا بسبب پشت گرمی که به هواپیمای شکاری و بسبب افکنهای سبک و مهیات جنگی خود دارند ممکن است در عملیات خود موفق گردند «کارلوسکورکا» دبیر کنونی حزب فاشیست که «ویسوسونی» دبیر سابق آن حزب را به بدستی با مگرکین وتولید احساسات یاس انگیز و اخلال انتظامات حزب فاشیست متمم ساخته است «موسولینی» امر به دستگیر کردن «ویسوسونی» داده است پس از استکاره گیری «ویسوسونی» از دبیری حزب دروم شهرت پیدا کرده که نامبرده از قبول ماموریت جدید پرستاری زخمیها و ناقص شدگان جنگ که به وی تکلیف شده بود امتناع ورزیده است

هنر بی پیرایه

بقیه از صفحه اول
های اطلاعاتی می لرزاند
اینجا فقط هنر و موضوع کار میبرد کارگر و روشن فکر ضحوا حزب توده ایران در این جای برای نقل پیامه بودند مقصود آنها «غریبانت» خشک مسولی نبود. وقتی اکثری که دل کارگر را بازی میکردند فریاد میزدند من نان میخواهم دوا میخواهم زندگی میخواهم زندگی؟

جمعیت گنده میشه و اوج می گرفت اکثر خود نیز در احساسات جمیت شریک بود هیچ چنین چیزی نمی خورد که آقدر رهرو منی بین صفت و سالن، بین ناشاجی و اکثر موجود باشد. نه فقط بین این دو بلکه همین رابطه صیق بین موضوع و روشی باشد چاشچیا وجود داشت پس از اشتغال از ظلم، از بی عدالتی بله کار فرما مکایت میکرد. کارگران کارخانه ها از چنین معیضی برای دیدن این تاثر آمده بودند. آنها یک تیکه از زندگی خود را در این صفت، در این تاثر تیره ممانده اترسان میدیدند لذا تیره میکشیدند

مقاطعه کار از یک کارگر میبرد، تورا چه کسی تعریک کرده که اعتصاب کنی مسکوت
- بگو من بچوکاری ندارم من بآن مصرعین کار دارم ۱۰۰۰۰ میخواستی اطلاق را خلوت کنم؟
- نه لازم نیست در همین حالت می گویم
- احسنت تو کارگر عاقلی هستی
- بگو
- بکنتر نیست چند نفرند
- هماغها همان چند نفر را بگو
کارگر دست را در جیب پتل خود فرو میبرد. مقاطعه کار بیا که خنده ایلچی دورا بیدگر کارگرها که در آنجا حاضرند کرده میگوید: بیاد بگیریدی بیاد داشت برداشته
ولی کارگر در حالیکه صیق ترین رنجبای درونی خود را در خطوط چهره

بقیه از صفحه اول
خود بوسیله یک بیس احساسات حسری خویش را در بسلر اقتصاد روشن فکر و کارگر بروز دادیم. معتر ولی عالی و اصیل. در آن هیچ چیز کچ صوت و باجوهر نبود هنردری جلوه ترین لباسهای خود روح خود را نشان داد و ثابت شد که هنر اصیل چندان به پیرایه احتیاج ندارد. این جمیت در یک تاسر لوکس در مقابل یک صفت آراسته اگر روح خود را در موضوع نمی یافت مگر چنین شوری نشان میداد.

وقتی دست میزدند فقط یک بانک فرزانه از این حیاط آفتاب زده کلوب بر می خاست. ولی آن بانک ترکیبی از بانک دستبای صمعا کارگر و روشن فکر بود. در هر یک زدن ها نیز رمز اتحاد روشن فکر و کارگر وجود داشت
مهرگان

بقیه از صفحه اول
حرب فاشیست دستگیر یا منظره می گردد هیبل رئیس گشتابوی آلمان اخیراً با ایتالیا سازت نموده بود تا از بروز خورش جلو گیری نموده و تدابیر لازمی برای مبارزه با آن اتخاذ شود
هینلز و موسولینی سخت بدست و با افتخار اند. موسولینی بجهل مشغول باختن است حکامات ساحلی است. شهر فلورانس تخلیه میگردد و تله آن بی ناز هیمن با حفاظت است ولی بیابانهای متفقین قدری شدید است که اساساً ساختن است حکامات اساسی را اجازه نمیدهد. از طرف دیگر هینلز نیز که نه با استقامت سواحل ایتالیا اطیشنان دارد و نه استقامت دولت و زمامداران آن مورد اعتماد وی است سخت مشوش گردیده و با حیل مشغول ساختن است حکاماتی در مرز ایتالیا و آلمان است چرا چنین است؟

مهمترین علل اینکه بیابان شهرهای ایتالیا بدین شدت شروع گردیده و تا این حد مترواقع گردیده است بقراردیل است ۱- اولاً سواحل افریقای شمالی بکلی پاک شده و مرکز مهمی برای حله

بقیه از صفحه اول
بر شهر ها و جزایر ایتالیا است این میانه های حله به هدف های خویش براتب از جزیره اکتیس شهرهای آلمان نزدیکتر است، فاصله بیسرت از ساردنی ۱۵۰ میل و از سیسیل ۱۶۰ میل و از نابال ۳۸۰ میل بیشتر نیست و حرکت هوا بیاض نیسات الی یکساعت بیشتر طول میکشند در صورتی که فاصله لندن تا برلن ۱۶۰۰ میل است ۲- شهر های آلمان بدون پناه هستند و سدهای هوایی محکمی مانند آلمان بر فراز آنها وجود ندارد
۳- طیارات متفقین برای بیابان شهر های ایتالیا بیشتر باید از زوری دویا پرواز کنند و از موانع محکمی مانند شهر های آلمان مجبور نیستند عبور نمایند در حقیقت شهر های ایتالیا بکلی بازوی پناه هستند و بنا بر این بیابان آن آساست و تلفات آن کمتر است
علت اینکه ایتالیا برای خود دفاع هوایی و است حکامات ساحلی ساخته است اینست که تاکنون متکی به پناه دریا بود و جبهه افریقای شمالی از بزرگترین سد ها برای حفظ خویش بشمره در صورتی که اکنون پس از پایان نبرد تونس همین دریا بیکه او را احاطه کرده است بزرگ ترین خطر برای او بشمار میرود (م. م. ر.)

بقیه از صفحه اول
مهمترین علل اینکه بیابان شهرهای ایتالیا بدین شدت شروع گردیده و تا این حد مترواقع گردیده است بقراردیل است ۱- اولاً سواحل افریقای شمالی بکلی پاک شده و مرکز مهمی برای حله

هوایسای متفقین

بقیه از صفحه اول
مهمترین علل اینکه بیابان شهرهای ایتالیا بدین شدت شروع گردیده و تا این حد مترواقع گردیده است بقراردیل است ۱- اولاً سواحل افریقای شمالی بکلی پاک شده و مرکز مهمی برای حله

بقیه از صفحه اول
مهمترین علل اینکه بیابان شهرهای ایتالیا بدین شدت شروع گردیده و تا این حد مترواقع گردیده است بقراردیل است ۱- اولاً سواحل افریقای شمالی بکلی پاک شده و مرکز مهمی برای حله

بقیه از صفحه اول
مهمترین علل اینکه بیابان شهرهای ایتالیا بدین شدت شروع گردیده و تا این حد مترواقع گردیده است بقراردیل است ۱- اولاً سواحل افریقای شمالی بکلی پاک شده و مرکز مهمی برای حله

بقیه از صفحه اول
مهمترین علل اینکه بیابان شهرهای ایتالیا بدین شدت شروع گردیده و تا این حد مترواقع گردیده است بقراردیل است ۱- اولاً سواحل افریقای شمالی بکلی پاک شده و مرکز مهمی برای حله

بقیه از صفحه اول
مهمترین علل اینکه بیابان شهرهای ایتالیا بدین شدت شروع گردیده و تا این حد مترواقع گردیده است بقراردیل است ۱- اولاً سواحل افریقای شمالی بکلی پاک شده و مرکز مهمی برای حله

بقیه از صفحه اول
مهمترین علل اینکه بیابان شهرهای ایتالیا بدین شدت شروع گردیده و تا این حد مترواقع گردیده است بقراردیل است ۱- اولاً سواحل افریقای شمالی بکلی پاک شده و مرکز مهمی برای حله

بقیه از صفحه اول
مهمترین علل اینکه بیابان شهرهای ایتالیا بدین شدت شروع گردیده و تا این حد مترواقع گردیده است بقراردیل است ۱- اولاً سواحل افریقای شمالی بکلی پاک شده و مرکز مهمی برای حله

منشأ عیوب اجتماعی ما چیست

بقیه از صفحه اول
خویش تئیه میشاید و از هم میپنجان خویش بجز مامور مالیت کسی دیگری را نمی شناسد

رابطه بین دو نفر کاسی که بپلوی هم دکان دارند جز رقابت برای جلب مشتری بجز دیگری نیست. دلال و دست فروش سر همه هم طبقه های خویش کلاه میکشاند هم سر خریدار و هم سر فروشنده

بدهی است از یک چنین طبقه جز کینه پرستی و پراکنده گی و رکود بجز دیگری نمیتوان انتظار داشت. طرز تفکر هر طبقه را از طرز زندگی اجتماعی او باید تئیه ایدئولوژی این طبقه نیز جز فرد پرستی و احتراز از تصنع و شکل و افکار کهنه و قدیمی و خرافاتی چیز دیگری نباید باشد. کسی که در زندگی روزانه خویش جو متعلق فردی، رقابت فردی، مبارزه برای نفس خویش کاری نمیکند در قلمرو تفکر خویش نیز جلا ببرد و اراده فردی نباید بجز دیگری اعتقاد داشته باشد منتی این فردگامی وجود خارجی داشته و در دنیای خارج

بقیه از صفحه اول
خویش تئیه میشاید و از هم میپنجان خویش بجز مامور مالیت کسی دیگری را نمی شناسد

رابطه بین دو نفر کاسی که بپلوی هم دکان دارند جز رقابت برای جلب مشتری بجز دیگری نیست. دلال و دست فروش سر همه هم طبقه های خویش کلاه میکشاند هم سر خریدار و هم سر فروشنده

بدهی است از یک چنین طبقه جز کینه پرستی و پراکنده گی و رکود بجز دیگری نمیتوان انتظار داشت. طرز تفکر هر طبقه را از طرز زندگی اجتماعی او باید تئیه ایدئولوژی این طبقه نیز جز فرد پرستی و احتراز از تصنع و شکل و افکار کهنه و قدیمی و خرافاتی چیز دیگری نباید باشد. کسی که در زندگی روزانه خویش جو متعلق فردی، رقابت فردی، مبارزه برای نفس خویش کاری نمیکند در قلمرو تفکر خویش نیز جلا ببرد و اراده فردی نباید بجز دیگری اعتقاد داشته باشد منتی این فردگامی وجود خارجی داشته و در دنیای خارج

بقیه از صفحه اول
خویش تئیه میشاید و از هم میپنجان خویش بجز مامور مالیت کسی دیگری را نمی شناسد

رابطه بین دو نفر کاسی که بپلوی هم دکان دارند جز رقابت برای جلب مشتری بجز دیگری نیست. دلال و دست فروش سر همه هم طبقه های خویش کلاه میکشاند هم سر خریدار و هم سر فروشنده

بدهی است از یک چنین طبقه جز کینه پرستی و پراکنده گی و رکود بجز دیگری نمیتوان انتظار داشت. طرز تفکر هر طبقه را از طرز زندگی اجتماعی او باید تئیه ایدئولوژی این طبقه نیز جز فرد پرستی و احتراز از تصنع و شکل و افکار کهنه و قدیمی و خرافاتی چیز دیگری نباید باشد. کسی که در زندگی روزانه خویش جو متعلق فردی، رقابت فردی، مبارزه برای نفس خویش کاری نمیکند در قلمرو تفکر خویش نیز جلا ببرد و اراده فردی نباید بجز دیگری اعتقاد داشته باشد منتی این فردگامی وجود خارجی داشته و در دنیای خارج

بقیه از صفحه اول
خویش تئیه میشاید و از هم میپنجان خویش بجز مامور مالیت کسی دیگری را نمی شناسد

رابطه بین دو نفر کاسی که بپلوی هم دکان دارند جز رقابت برای جلب مشتری بجز دیگری نیست. دلال و دست فروش سر همه هم طبقه های خویش کلاه میکشاند هم سر خریدار و هم سر فروشنده

بدهی است از یک چنین طبقه جز کینه پرستی و پراکنده گی و رکود بجز دیگری نمیتوان انتظار داشت. طرز تفکر هر طبقه را از طرز زندگی اجتماعی او باید تئیه ایدئولوژی این طبقه نیز جز فرد پرستی و احتراز از تصنع و شکل و افکار کهنه و قدیمی و خرافاتی چیز دیگری نباید باشد. کسی که در زندگی روزانه خویش جو متعلق فردی، رقابت فردی، مبارزه برای نفس خویش کاری نمیکند در قلمرو تفکر خویش نیز جلا ببرد و اراده فردی نباید بجز دیگری اعتقاد داشته باشد منتی این فردگامی وجود خارجی داشته و در دنیای خارج

بقیه از صفحه اول
خویش تئیه میشاید و از هم میپنجان خویش بجز مامور مالیت کسی دیگری را نمی شناسد

رابطه بین دو نفر کاسی که بپلوی هم دکان دارند جز رقابت برای جلب مشتری بجز دیگری نیست. دلال و دست فروش سر همه هم طبقه های خویش کلاه میکشاند هم سر خریدار و هم سر فروشنده

بدهی است از یک چنین طبقه جز کینه پرستی و پراکنده گی و رکود بجز دیگری نمیتوان انتظار داشت. طرز تفکر هر طبقه را از طرز زندگی اجتماعی او باید تئیه ایدئولوژی این طبقه نیز جز فرد پرستی و احتراز از تصنع و شکل و افکار کهنه و قدیمی و خرافاتی چیز دیگری نباید باشد. کسی که در زندگی روزانه خویش جو متعلق فردی، رقابت فردی، مبارزه برای نفس خویش کاری نمیکند در قلمرو تفکر خویش نیز جلا ببرد و اراده فردی نباید بجز دیگری اعتقاد داشته باشد منتی این فردگامی وجود خارجی داشته و در دنیای خارج

بقیه از صفحه اول
خویش تئیه میشاید و از هم میپنجان خویش بجز مامور مالیت کسی دیگری را نمی شناسد

رابطه بین دو نفر کاسی که بپلوی هم دکان دارند جز رقابت برای جلب مشتری بجز دیگری نیست. دلال و دست فروش سر همه هم طبقه های خویش کلاه میکشاند هم سر خریدار و هم سر فروشنده

آگهی

طوری که از مقامات مربوطه اعلام شده است کمیته سیاه خطوط ارتباطی نیروی متفقین در شهرها و حومه شهرها قطع و دزدی شده است چون ارتباط مخابرات نظامی نهایت حائل اهمیت است لذا بدین وسیله اعلام میداریم که از ارتکاب قطع و سرقت سیاه خطوط مزبور نزدیک شده به خطوط ارتباطی که ممکن است خطرات بانی هم در برداشته باشد خودداری نمایان و چنانچه برخلاف مدلول آگهی رفتار شود مرتکبین شدیداً مورد تعقیب واقع خواهند شد
رئیس اداره کل شهر بانی سر قیپ اعتماد مقدم

آگهی مزایده حضوری

شهرداری تهران تعداد ۱۷ راس اسب که برای کار های شهرداری مورد استفاده نیست از طرف مزایده حضوری، (حراج) بفروش میرساند
خریداران برای روز دوشنبه ۹ خرداد ساعت ۹ صبح در دایره بارکشی شهرداری واقع در خیابان ری حضور بهرسانند. مالیات و حق حراجی به عهده خریداران خواهد بود
ش ۲۸۵ - شهرداری تهران

آگهی

تاریخ ۲۰ اردیبهار ۱۳۳۶
دادنامه شماره ۲
شماره پرونده ۱۱۵۸۰۱ بخش ۱

آگهی

تاریخ ۲۰ اردیبهار ۲۱ بانوان صدیقه دیری زوج مرحوم صدقه دیری دارای شناسنامه شماره ۲۱ و بانو فرنگیس دیری شناسنامه شماره ۲۲ و امین آفادی دیری شناسنامه شماره ۲۰ صادرات اقدسی ساکنین شهرستان سلو دادخواستی تقدیم نموده اند باینکه صدیق دیری اهل ساکن سلو در جایگاه دائمی خود ساکن بوده و زنده گانی گفته که دادخواست نامبرده شماره ۵۸۸ - بخش ۱ ثبت و روات مشرف الی ابراهیم صفر مرئی نوروند اول بانو صدیق دیری و دادگاه فرنگیس و امین آنها دوشهر دختر و تقاضای صدور گواهی حضوری است و تئیه دادگاه با ملاحظه محتویات پرونده و خلاصه فوت متوفی و شناسنامه های آنها و شنیدن گواهی گواهان با وکالت آقای اسدالله دیوزیری مراتب را سه مرتبه مامی یک مرتبه در مجله رسمی وزارت دادگستری روزنامه ها آگهی مینماید که هر کس نسبت ببودات آنها - سر وراثت آنها اعتراض دارد ظرف مدت نامبرده بدادگاه بخش سلو تقدیم دارد و پس از انتشار آگهی و هشی مدت ثانوی و عدم وصول واخواستی مبادرت بصعود گواهی مقتضی خواهد شد دادرس علی الیدل دادگاه بخش سلو محمد سبزواری

آگهی استخدام

بیکه راه آهن دولتی ایران نیازمند بدهای کارمند فنی برای کارخانجات بندر شاه و بل سفید بشح زیر میباشد:
رشته لکبوی ۶۰ نفر - آشکار ۶۰ نفر
سردیسکاز ۶۲ نفر - دیسکاز ۱۶ نفر
تراشکار ۶ نفر - تعمیرکار ۲۸ نفر
چوشکار ۴ نفر - سلی ساز ۳ نفر
سواکنکار ۱۰ نفر
داوطلبان که واجد شرایط استخدامی باشند میتواند با مدارک خود هم روز باستانی روز های تعطیل بین ساعت یازده و دوازده خود را به قسمت جری معرفی نمایند
هدیر گل بنگاه راه آهن دولتی ایران
ش - ۲۸۷

اتحاد انشور و کارگر

در يك نابلو

نوشتۀ ع. نوشین

دختر يك مقاطعة کار ساختمان راه در محل کار - چند قشه راه ویل
و توکل بدو بار نسبت است - روی میز دختر های بزرگ و بیلبهای
کارگر ها چیده شده - کنار اطاق يك صندوق آهنی قرار دارد

اهمس!

مقاطعه کار - چهل ساله، چاق و پف کرده، متکبر بسواد دریده و بدمن
سر مهندس
سر مکاینیس

کارگر جاسوس - ضعیف، شلوق و مودی - برای ارباب جاسوسی میکند
چند نفر مهندس و هفت نفر کارگر که نایبند: کارگرانه

مقاطعه کار پشت میز خود نشسته - کارگر جاسوس و دو کارگر دیگر
جلو او ایستاده اند

مقاطعه کار - بالاخره حرف حسابی تون چیه
يك کارگر - همه کارگر ها میخوانند دست از کار بکشند

مقاطعه کار - چرا؟
کارگر جاسوس - میگویند مرد ما که ما پلشم شکم سیر نیهوریم. ارباب بسا
ما بد رفتاری میکنه

مقاطعه کار - مگه من اینجا رو کجی قارون نشسته ام که هر روز بکار گر ها اذیت
حقوق بدم - اینجا بنهانه است آدم اگر کسی قناعت بکنه هه کارها درست
میسه. ببلایه ارباب با ما بد رفتاری میکنه کدامه؟ یعنی اگر من میشوم

کارگر تیلی میکنه، وقت را تلف میکنه و مزدیرا آکت از من میگیره
تقریباً از من میدزده حق ندارم با آنها فحش بدم و تورا سرشان بزنم تا کار کنند
بریدم بریدم گمشید والا میسوم مردتون را نگه دارند

کارگر جاسوس - ارباب کار ازین کارها گنجهت بکنه از صبح تا سالا دست
از کار کشیده اند

مقاطعه کار - از صبح تا حالا کار نیکندت
کارگر ها - بل ارباب ما حرف حساب داریم

مقاطعه کار - خه شید ا حرف حساب داریم چه فصولها ا از صبح تا حال دست
از کار کشیده اند؟ ای سرها! دزدها اوم مرد نیست که ازم میگیره

این پول دزدی ای میسید دزدی ا من جون میکنم و دخت میکنم
آزوت باید پولش را توی شکم شانتها ببریم اگر این مرد را من بسا
ندم همتان از گرسگی میسیرید

(قدم میزند) بریدند تقریباً من کتید بیاید با من حرف بزنند (کارگرها
بیرون میروند کارگر جاسوس دوباره بر میگردد) آخرش نفیسید معرک اینا کیه
کارگر جاسوس - نه وا هه شان داد و بی داد میکنه هه شان بسا بلاتسبت
شک زبانه لال فحش میدهند. میگویند

مقاطعه کار - خه شو هرچی میگویند غلط میکنند نشانان میدم. پسر سوخته
ها ا اینجا شلاق میخوانند. قدرت داشته باش چند تا شورا همتا پدار
میزنم تا باقیشان حساب کار خودشان را بکنند. اما افسوس این حکومت
های هرنه اند. حکومت مقتدر آن بود که از دست مارفت و روزگار هه مان
سیاه شد. حالا میدونی چکار باید بکنی؟ زود برو پیش کارگر هاتر میکشان کن
از من بد گویی کن به این کیها بیشتر حرارت بخرج میدهند اسم آنها را
بین بگو تا پدرشان را تو پیروم

کارگر جاسوس - چشم ارباب چشم
مقاطعه کار - میدونی تو کار گر قابلی نیستی این مردی را که من بنو میدم
برای هین کار هاست و الا من بنو احتیاج ندارم بیروت میکنم بسو
زود به بین سکی بیشتر جوش و جلا بخرج میده خیرش را بین بده بیا
این پول چایی را هم بگی

(يك اسکانس ده ربالی جلو او میاندازد) پول خود دنداشتم اهدم دادم
بد عادت نشی ها

کارگر جاسوس - خلد همران بده ارباب « بیرون میروند »
سر مهندس (داخل میشود) - وقت دارید این سبتوایون ها را امضا کنید
مقاطعه کار - نه آقا حالا وقت ندارم. حالا بخواهید دارم

سر مهندس - آخر بازنده روزه که اینجا مانده ...
مقاطعه کار - گنتم حوصله ندارم آقا ... شما هم وقتتون را ا تصاب میکنید
مکاینیس - (پاسه دی چرخ کار داخل میشوند مهدی دستش آلوده بیون کپه
پیچیده خودش بی حال مکاینیس زیربازوی او را گرفته) ارباب الان موقع
کار مهدی دستش زیر کتیسور رفت و انگشتهاش قطع شد

مقاطعه کار - خوب حالا میگی من چه کار کنم؟
مکاینیس - تکلیف این کارگر چیه
مقاطعه کار - من چه میدونه تکلیف چیه مگه من تکلیف مینم کنم میتونه کار
که پناه

مکاینیس - با اینحال چطور میتونه کار کنه
مقاطعه کار - با اون دستش هم میتونه
مکاینیس - میگم بی حال دستش زیر کتیسور رفت این را باید الان برضاهت فرستاد
مقاطعه کار - من که دکتر نیستم هر چینی دودای میفودا بره به بنید اگر میتونه
کارگر مزدش را بنمید اگر نیتونه بیرونش کید فرودا بکنفر دیگر را
جاش بگذارد

مکاینیس - محب ا
مقاطعه کار - بله خوب کار دارا که نیتسه برای يك کارگر تعطیل کرد
مکاینیس - آخر این برای خاطر شهه برای کارها دستش ناقص شده
مقاطعه کار - چرا برای خاطر من ا چرا نیکی برای خاطر مزدی که ازم میگیره
مکاینیس - پس اجازه میدید تا معامله بده مزدش را پیش بدم
مقاطعه کار - مزد ا در مقابل چی
مکاینیس - در مقابل این مدتی که برای شما کار کرده
مقاطعه کار - خواهش میکنم این حاتم پیشها را جای دیگری بکنید ا مگه ایندست

مکاینیس - میفرمایند حالا بیرونش کنیم؟
مقاطعه کار - بله زودتر از اینهم حرف نزن حوصله ندارم زودتر هم از اینجا بیرونش
من از اینطور منظره ها خوشم نیاید
مکاینیس - (سری تکان میدهد) بسیار خوب بیا برویم (راه میافتد)
سر مهندس - بیرونش من الان میام بیرونش پیش دکتر
مقاطعه کار - آقای سر مهندس ما از دست این کارگرها بسنوه آمده ایم اینکه
وضع نیتسه آقا! اید يك حکومت مقتدری چند تا از اینها را بدار بزنده
تادیکران ادب بشوند. آقا بقدری بی ادب و پررو شده اند که چند نهاره
سر مهندس - چه کند ا زندگی سخت. باید با اینها با ملایمت رفتار کرد بیشتر آنها ضعیف
هستند با جزئی نب و ناخوشی از بین میروند
مقاطعه کار - بن چه منگه مستول ترک و ناخوشی آنها نیستم ترک و میر دست
خداست
(چند نفر کارگر با کارگر جاسوس و مکاینیس بنوان نایبندگان کارگر هاداخل
میشوند و جلومیز صف میکنند)
مقاطعه کار - خوب حرف حسابی شما چیه
کارگر ج. و سه نفر دیگر - زندگی ما سخت - حقوق ما کمه - اینجا
مرضخانه نداره ... (همه با هم حرف میزنند - فقط مکاینیس فکوز
و خاموش است)

مقاطعه کار - بپوش بپوش شلوغ نکنید - حالا چی میفرواید؟
هه بلیم - اضافه حقوق میفروایم - هفته ای چند ساعت تعطیل میفروایم نون بیا
بیدم. دکتر بدیدم. دوا بدیدم ...
مقاطعه کار - خه شید شلوغ نکنید. کی بکارگر هه گفته دست از کار بکشند
(همه سکوت میکنند) حالا هه نان لال شدید ا هر کس نیتخواهد کار کند
يك قدم جلو اوم - سر مکاینیس با زاده و نین قدم پیش میگذارد - يك کارگر
دیگر - بکی دیگر - بعد هه - بالاخره کارگر جاسوس با اشاره ارباب جلو
میاید ... آقای علیخان مکانیک شما که کارگر آرام و باطبی هستید. چطور
شده پیش از هه جلو آمدی
سر مکاینیس - بعد از آن وضعی که نسبت بهدی چرخ کار دیدم نفیسم که دیدگه کار
کردن ما اینجا فایده نداره - من بکارگر هه گفتم دست از کار بکشند
مقاطعه کار - پس شما کارگرها را تحریک کردید ا من باور نیکم بیرونش اینگه است
بکی باز هم بکی دیدگه اید خودتان را تحریک کرده باش
سر مکاینیس - من منظوره معرک من یکی هم نیست چند نفرند ...
مقاطعه کار - ها ا این معرک کیها هستند بگو تا من تکلیفشان را معلوم کنم
(سکوت) جواب نیدهی ا نیتخواهم اسم رفقای خودت را بیری میفروایم
اطاق را غلوت کنم بین تنها بگو
سر مکاینیس - نفیر لازم نیست ممکن است جلو هه اسم آنها را بگویم
(فکوز ارام جلو میاید دست بسبب میرید چندین ورقه شناسنامه بیرون
میآورد) معرکین من اینجا هستند (یکی یکی روی میز میکوبد) زدم -
دخترم - پسر - مادرم - برادر کوچکم - نودم. ما بشیریم و مقابل کارتون
میفروایم و حتی میفروایم دوا و دکتر میفروایم. مدسه و کتاب میفروایم
(فریاد میکنند) زندگی میفروایم ... زندگی با شرافت
مقاطعه کار - بپوش علیخان. صبا بی نشو (بکارگر ها) شما بریدم بیرون تا من
صحت کنم (بکارگر جاسوس تویبان کارگر ها و سر مهندس خارج میشوند)
علیخان شما کارگر متعصب و آدم عاقلی هستی من حاضرم باشا کنار بیا
بفرط اینکه شما هم با ما کنار بیایی

سر مکاینیس - مثلا چکار میکنم
مقاطعه کار - کارگرها را آرام کن. آنها را برست سر کار. آخر منگه نیتونم
هر روز اضافه حقوق بدم من و رشکت خواهم. شد
مکاینیس - من در کارگرها هر نفودی ندارم (اشاره بکارگر جاسوس) بیشتر
حرف شنوایی دارند
مقاطعه کار - بله او آدم عاقلی است توهم مثل او باش. تو بکارگرها که کار
داری ا من نیتونم حتماً ترا هم تحریک کرده اند من میفروایم این معرکین
را بشناسم
سر مکاینیس - منگه معرکین را بشناسی کرد
مقاطعه کار - نه از خوشی گذشت من از تو خواهش میکنم با من رفیق کله کن
مکاینیس - چه کسی
مقاطعه کار - من مفید و متعصب حرف میزنم (چهل پنجاه تومان روی میز میکوبد)
اینها را وردار بقیه صحبتها را او با تو خواهد کرد
سر مکاینیس - ببت زده - نی بهم مقصود شما چیه
مقاطعه کار - چطور نی فهمی ا تو از من کله خواستی ...
سر مکاینیس - من از شما کله نیتواستم ختم را خواستم
مقاطعه کار - خیلی خوب خست ا این خست هر وقت هم بیول احتیاج داری تنهایی پیش
من - حالا بگو بپوش این آشوب طلبها کی هاستند هین نایبند هاستند
یا دیگران هم هستند (سکوت)
سر مکاینیس - (بکارگر جاسوس) تو کسی را می شناسی
کارگر ج. (باز دید) من ... من ... من کسی را نمی شناسم ... بشما من کسی
را نیتناسم
مقاطعه کار - بگو بگو
کارگر ج. - من دوسه فراری شناسه اما شناسی هسته یکی حسین سر دکن یکی
محمد سگ تراش یکی فلانملی نراز نگیندار
مقاطعه کار - (بمکاینیس) تو کی را می شناسی (سکوت) جواب نیدهی
یکی دوتا از این بست فطرتها را من معرفی کن تا من تکلیفشان را معلوم
کنم (سکوت) جواب نیدهی
مکاینیس - من هم دو فر بست فطرت رای شناسم ...
مقاطعه کار - هه هه هه ها را بگو کی هاستند (سکوت) ا اول این بولها را
بردار بیا یا جلو یا جلو

مکاینیس - (بآرامی جلو میاید اسکانسها را جمع میکنند) یکی از این بست
فطرتها... با خشونت بسورت ارباب میزند) یکی از این بست فطرتها
تو هستی (گریبان کارگر جاسوس را میگیرد) یکی دیگه از بست فطرتها تو
هستی (صدای داد و بیاد چند نفر کارگر و مهندس داخل میشوند)
مقاطعه کار - پسر سوخته ها هم تا نا بیرون میکشند بزنده میفرستون
آهای
منشی منشی (منشی داخل میشود) بیلبهای این چند نفر نایبند و ارباب
کن بیرونشان کن
سر مهندس و دو مهندس دیگر - (جلوی منشی را میگیرند) اگر میفروایم

آگهی مزایده

وزارت دارائی - اداره امتیازات و نفت و درآمد معادن در پیرو آگهی
منتشره از طرف اداره دارائی شهرستان تبریز مقدار ۲۸۷۵۸۶ کیلو زرنیخ تیره
رنگ معقول کان ویلوی ارسباران را با رعایت شرایط زیر بفروش میرساند:
۱ - زرنیخ مورد معامله در سر معین بخیریدار تحویل و هزینه حمل و نقل و
تحویل و بسته بندی - غیره از هر قبیل بیهوده خریدار است
۲ - پیشنهاد دهندگان باید مبلغ ۱۲۵۸۵ ریال بابت سیرد مابلا بستون
این اداره یا اداره دارائی شهرستان تبریز تحویل داده و قبض رسیده سیرد را دریافت
و ضمیمه پیشنهاد خود نمایند در غیر اینصورت به پیشنهاد آنها ترتیب اثر داده
نخواهد شد
۳ - صدی پنج مالیات مزایده از خریدار دریافت خواهد شد
۴ - پیشنهادات باستی در پاکت مهر و لاک شده باقی بماند (راجح مزایده
ذرنیخ ویلوی) روی پاکت پیشنهادتها تا آخر وقت اداری روز شنبه ۱۴ خرداد
۱۳۲۲ بان اداره با اداره دارائی شهرستان تبریز روز یکشنبه ۱۵ خرداد
۱۳۲۲ ساعت ظهر باز و خوانده خواهد شد
حضور پیشنهاد دهندگان با نماینده ثابت الوکاله آنها در جلسه آزاد
خواهد بود
۵ - وزارت دارائی در رد یا قبول پیشنهادات واصله مختار است
ش ۲۸۸ کفیل اداره امتیازات و نفت و درآمد معادن - تبریز

آگهی مناقصه

اداره کل نوغان تپه مقدار یکصد و سی و پنج هزار جبه تخم نوغان سلولر
برای مصرف سال ۱۳۲۲ که باید در رشت - بشهر پهلوی - لاهیجان
تربت حیدریه حمل آورده شود بنقشه میگذارد - شرکت کنندگان میتوانند
با دریافت شرایط موجوده که در دفتر اداره کل نوغان در تهران خیابان پاستور
روز پنجشنبه ۵ خرداد ۱۳۲۲ ساعت ۹ صبح پیشنهادات خود را بدفتر اداره کل
نوغان تسلیم نموده رسیده دریافت دارند
پیشنهاد دهندگان باید برای هر ده هزار جبه تخم نوغان مبلغ ۱۰۰۰۰
ریال بنونان حیدریه مبلغ - شماره ۱۰۰۴۵/۸۶ بانکلی ایران تحویل نموده
قبض رسیده را بیوست پیشنهاد خود نمایند - سیرد حاضرین حاد ناقص صورت
استکفای بسود دولت برداشت خواهد شد به پیشنهاد دایکجه بدون سیرد و چک
بیوست آن باشد و با بهار و ماکول به بهای دیگران نموده و با شرافتی قابل
شده باشند ترتیب اثر داده نخواهد شد پیشنهاد های رسیده ۹ صبح روز پنجشنبه
۲۲ خرداد در اداره کل نوغان بازو خوانده خواهد شد حضور پیشنهاد دهندگان در
جلسه مناقصه آزاد اداره کل نوغان درود قبول پیشنهادات مختار خواهد بود
رئیس اداره کل نوغان - دکتر ملک مدنی
ش - ۵۹

آگهی

پیرو آگهی شماره ۲۸۷۴ مورخ ۲۸-۱۳۲۲ منتشره
در جراید پایتخت اطلاع میدهم که بموجب ابلاغ شماره ۴۸۱۴
وزارت دارائی مالیات سال جاری پیشه و ران جزء مطابق
مقررات همگانی قانون مالیات بردرآمد مصوب آبان ۱۳۱۲
و قانون اصلاحی آن مصوب اسفند ۱۳۱۷ وصول خواهد
شد. بنا بر این مودیان پیشه و ران جزء مکلفند مانند سایر
مودیان تا ۱۵ خرداد اظهار نامه مالیاتی خود را در مرکز
ب اداره مالیات بر درآمد تهران واقعه در خیابان لاله زار
(کوی مجمر) و در شهرستانها با ادارات دارائی محل
تسلیم نموده و مالیات متعلقه را نیز در همان موقع بپردازند
در صورت تخلف مشمول جرائم مالیاتی و زیان دبرکرد
خواهند بود
رئیس اداره کل مالیات مستقیم
ش ۷۹ ۱۴-۲ تقی پیشین

این کارگر ها را بیرون کنید هه ما دست از کار میکشیم
مقاطعه کار - پس شما هه میخرید من هستی - اینهم تازه درآمد - لنتبر
این دوره هر که هر که و افشاش من دارم ناخوش میشم لنتبر این دوره باید يك
حکومت مقتدر علم کرد باید با شلاق و سرنیزه و تفکک شما هم آدم کرد. من
نام دارايم را صرف اینکار خواهم کرد ... باید ... (خارج میشود)
(چند لفظ سکوت - مهندس يك طرف کارگر ها طرف دیگر من سر
پایین انداخته فکوز و خوشحاله ولی بروی هم نگاه نیکند - مکاینیس آرامی
بطرف مهندسین پیش میاید)
مکاینیس - آقای سر مهندس ما کارگر ما از همراهی شما متشکرم
سر مهندس - (دست بست و دراز میکند) از ما متشکر کنید. مردانگی و اتحاد
خود شما خشن و پشیمان شما است
مکاینیس - آقای سر مهندس آرزو دارم این دستي که طرف من دواز کردید
ومن از صمیم قلب از طرف هه رفقای کارگرم آتزا کرتتم نشانه اتحاد
روشن فکرها و کار گرها باشد تا به پشیمانی هه بطرف هدف خودمان
پیش برویم و دنیای نوی که قابل زندگی باشد بسازیم (يك مهندس
دست خود را روی دست آنها میگذارد - کارگر و مهندس یکی یکی دست
روی دستها میگذارد بالاخره کارگر که دستش زیر ماشین رفته پیش می
آید دست مجروح و خون آلود خود را روی هه دستها میگذارد)
کارگر - من هم با سر انگشت قطع شده خودم و با خون خودم این اظهار مهر
میکتم
پایان

هسپار

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
بیچ اسکندری

اخبار کشور

تمرکز حسابهای وزارتخانه ها در بانک ملی

بر حسب تصمیم رئیس کل حسابداری وزارت دارائی از این پس تمام حسابهای دولتی در بانک ملی در یک حساب متمرکز گشته و کلیه وجوه دولتی که باید پرداخت شود و از آن بک حساب ۵۶۶۶ پرداخت خواهد شد.

افزایش قیمت نان نهران

هیئت وزراء طبق پیشنهاد وزارت دارائی قیمت نان را از هر کیلو دو ریال سه ریال افزایش داده است این افزایش قیمت از امروز خواهد بود.

قیمت گوشت تازل میگذرد

نرخ گوشت گوسفند هر کیلو ۳۰ ریال و گوشت گاو هر کیلو ۲۵ ریال تعیین شده است خریداران نایبستی پیش از این وجه پرداخته.

ملاقات نمایندگان مهندسان

طبق اطلاعی که بدست آمده است نمایندگان کانون مهندسان از وزیر پسته و هنر ملاقات کردند و مطالبات در اطراف عاوضات خود مذاکره نمودند. از قرار اطلاع دیگری آقای دکتر سلیمو امروز این نمایندگان را دعوت کرده است.

در جلسه روز چهارشنبه ۲۸

اردیبهشت هیئت وزیران که با حضور شاه تشکیل شد اسامی عاوضات مهندسان را که اهم آن دادن کار بکارخان است مورد شور قرار داده و تصویب رسانده است.

اتلاف فرانسویان پارلمان

چهار فرانسویان مجلس که عده اعضای آن بالغ بر ۷۵ نفر است اتلاف نموده و تشکیل فرانسویان واحد داده اند.

کارخانه دخانیات

بقرار اطلاع حاصله برای تقلیل مخارج کارخانه دخانیات بنا بدستور آقای دکتر میلسوز این پس دیگر نهادهای کارخانه داده نخواهد شد و از سه هزار کارگر این کارخانه فقط ۱۵۰۰ نفر مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

دو وزارت خارجه

ساعت ۱۱ صبح دیروز آقای سفیر کبیر شوروی در کاخ وزارت امور خارجه آقای وزیر خارجه را ملاقات نمودند.

در کمیسیون دادگستری

پیش از ظهر دیروز کمیسیون دادگستری با حضور آقای وزیر دادگستری در مجلس تشکیل گردید و لایحه مربوط بتلخیص مستعین مطرح شد و شور اول آن خاتمه یافت.

هیئت عالی بازرسی

بطوری که اطلاع داده بودیم بک هیئت عالی بازرسی ریاست آقای علی میث و کارمندی آقایان ساتری زاده - حبیب الله آموز - هادی اشتری - برای رسیدگی بامور چهار وزارتخانه خواربار - کشاورزی - راه - بازرگانی و پسته و هنر ماموریت یافته بودند هیئت مزبور در دهن نخست وزیری شروع به کار نموده و طبق درخواست آنها عده ای از کارمندان وزارتخانه ماضی طرف اطمینان هیئت بوده اند بتدریج به هیئت معرفی میشوند پس از تعیین آنها به وزارتخانه ماضی نظر هیئت نامبرده شروع بپارسی نماید.

حمله متقابله آلمانیها بلا اثر ماند

۹۹ درصد مجروحین ارتش سرخ بهبودی یافته اند

دو تنه اظهار عقیده کرده اند که انحلال بین الملل کمونیست قدم جدیدی است که برای همکاری صیبه تری چه اکنون و چه از بعد از جنگ بین انگلستان و روسیه شوروی و آمریکا برداشته شده است روز نامه تایمز می نویسد: انحلال کمترین شناسایی رسمی حقوق روسیه را در تشکیل سازمان نوین اروپا از طرف بریتانیای کبیر و آمریکا آسانتر و صادقانه تر و دوستانه تر میسازد.

مخصوصاً از این نظر که بطریق دائمی باید از جامملی های آلمان جلوگیری شود و مقررات مخصوصی برای این منظور وضع گردد و روسیه از این نظر که کک فراوانی میتواند بکند.

اکنون که روسیه چنین اطمینان قطعی از مقاصد خود داده اند دول انگلیس و آمریکا مخصوصاً باید متوجه باشند که هیچ شکی در دل روسیه راه نیاید و تصور نکنند پس از بل به پیروی انگلیس و آمریکا توطئه سیاست جلوگیری از روسیه از دخالت در تشکیل سازمان اروپا و استخراج صلح و آزادی بازگشت خواهند کرد روزنامه دبلی اکسپرس می نویسد انحلال بین الملل کمونیست باعث لغو پیمان ضد کمترین میگردد و رشت ای را که آلمان را به حوزی بردست و اسبابی می بیند پاره میسازد خیر نگر سیاسی دبلی نگر برای

میتواند: این تصمیم راه جدیدی برای اتمام کامل بین روسیه و بریتانیای کبیر و آمریکا و سایر ملل متفق باز کرده است علاوه بر آن اساس اتحاد دول محور را که مبنی بر پیمان ضد کمترین بود ویران نموده است.

نیویورک تایمز می نویسد: نامه «دیپورتیک» هارلده کریسون در شماره دیروز خود در تفسیر انحلال تشکیلات کمونیست بین المللی منبوسد تخصیص پایه اهمیت این تصمیم خیلی دشوار است مسئله کمونیست بین المللی همواره میان دولت اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای گیتی موضوع مجادله و مشاجره بود برای حل و تفهیم سرخ این جنگ بوسیله فوجات لشگری و تسلیب یک صلح صحیح و سالم مانع سیاسی بزرگی تشکیل داده بود.

باید منظور بود که انحلال کمونیست بین المللی یک ظاهر سازی میباشد. بالکنس باشل قوی میبرد این منتهی ارطانی است که از زمان فاتح آلمانی استالین بر «تروتسکی» راجع به طرز تشکیل دولت کور اتحاد جماهیر شوروی آغلا گردیده است.

انحلال کلی میزود که دولت انگلیس و آمریکا در این خصوص به استالین فشار آورده باشند و این تصمیم با اندازه کمی مهم است که نتوان آنرا مستقیماً با مهوریت کنونی دیوین دوسمک مربوط دانست.

انحلال کمونیست بین المللی برای وحدت و یکپارگی نیرو های مخالف مهاجم چه در حال حاضر و چه در زمان صلح یک اساس بسیار متین و معسکی تشکیل می دهد. بیانه نیست اگر گفته شود که ملت های متفق در محیط سیاسی به بزرگترین پیروزی موفق گردیده اند.

باید منظور بود که انحلال کمونیست بین المللی یک ظاهر سازی میباشد. بالکنس باشل قوی میبرد این منتهی ارطانی است که از زمان فاتح آلمانی استالین بر «تروتسکی» راجع به طرز تشکیل دولت کور اتحاد جماهیر شوروی آغلا گردیده است.

انحلال کلی میزود که دولت انگلیس و آمریکا در این خصوص به استالین فشار آورده باشند و این تصمیم با اندازه کمی مهم است که نتوان آنرا مستقیماً با مهوریت کنونی دیوین دوسمک مربوط دانست.

انحلال کمونیست بین المللی برای وحدت و یکپارگی نیرو های مخالف مهاجم چه در حال حاضر و چه در زمان صلح یک اساس بسیار متین و معسکی تشکیل می دهد. بیانه نیست اگر گفته شود که ملت های متفق در محیط سیاسی به بزرگترین پیروزی موفق گردیده اند.

انحلال کمونیست بین المللی برای وحدت و یکپارگی نیرو های مخالف مهاجم چه در حال حاضر و چه در زمان صلح یک اساس بسیار متین و معسکی تشکیل می دهد. بیانه نیست اگر گفته شود که ملت های متفق در محیط سیاسی به بزرگترین پیروزی موفق گردیده اند.

انحلال کمونیست بین المللی برای وحدت و یکپارگی نیرو های مخالف مهاجم چه در حال حاضر و چه در زمان صلح یک اساس بسیار متین و معسکی تشکیل می دهد. بیانه نیست اگر گفته شود که ملت های متفق در محیط سیاسی به بزرگترین پیروزی موفق گردیده اند.

انحلال کمونیست بین المللی برای وحدت و یکپارگی نیرو های مخالف مهاجم چه در حال حاضر و چه در زمان صلح یک اساس بسیار متین و معسکی تشکیل می دهد. بیانه نیست اگر گفته شود که ملت های متفق در محیط سیاسی به بزرگترین پیروزی موفق گردیده اند.

انحلال کمونیست بین المللی برای وحدت و یکپارگی نیرو های مخالف مهاجم چه در حال حاضر و چه در زمان صلح یک اساس بسیار متین و معسکی تشکیل می دهد. بیانه نیست اگر گفته شود که ملت های متفق در محیط سیاسی به بزرگترین پیروزی موفق گردیده اند.

هیئت دیوار کرانه اقیانوس اطلس را باز دید می کنند در شهر کاسل مردم شورش کرده اند

دیوار اقیانوس اطلس همان جوش و خروش را برآرز میدارد ولی از ژاکسی ذکری در میان نیست

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

۳۰ هواپیمای محور در چهار روز در برابر ۱۶ هواپیمای متفقین نابود شده است

لندن - برقراری که داوید براون فرستاده مخصوص آن خبر گزار از امریکو ستاد ارتش متفقین در افزایش شالی خبر داده است در طی جنگ هوایی بزرگی که در مدیترانه مرکزی بر فرزند جزایر بالغ بر شصت و هفت هواپیمای گردیده کسی و شش تایی آنها متعلق نیروی هوایی امریکا بود و از طرف محور نیز سیزده هواپیمای متهم شده است.

در خاور میانه هفده هواپیمای محور بر فراز جزیره مالت منهدم گردید و متفقین فقط دو هواپیمای از دست داده اند. در انگلستان هم یازده هواپیمای محور سرنگون گردیده اند. این ارقام شامل هواپیمای عده محور که در روی زمین منهدم گردیده اند نمیباشد.

در ظرف بیست و چهار ساعت اخیر هم هفده هواپیمای دیگر آلمان و ایتالیا بدست هواپیمای انگلیس و آمریکا منهدم شده است.

در ظرف چهار روز اخیر مجموع تلفات محور بالغ بر سیمده هواپیمای و تلفات متفقین بالغ بر شانزده هوا پیمای شده است.

شهر های ((رور)) و ((ارن)) خسارت شدید دیده اند بمباران اروپا ادامه دارد

استکهلم - روزنامه دوپچه الکنایه ناسیونالیست می نویسد که به پیشتر شهر های ناسیونالیزم در اثر بمبارانهای هوایی خسارات شدیدی وارد آمده است.

سکوت مطلق در قسمتهای زیادی از شهر های مزبور حکم فرماست و در کوچه ها و محله های متشاهمه بنیوساختن هایک در اثر انفجار بیخاکت برداشته اند بیچوچه قابل تسمیر نخواهد بود.

لندن - اعلامیه وزارت هواپیمایی اشمار میدارد که امروز بمباران ظهر ب

روزنامه (سنی دیسچا) می نویسد این تصمیم مارشال استالین یک قدم تازه می باشد که باغیان برداشته شده است روزنامه سندی تایمز به اشمار میدارد آلمانیها

روزنامه (سنی دیسچا) می نویسد این تصمیم مارشال استالین یک قدم تازه می باشد که باغیان برداشته شده است روزنامه سندی تایمز به اشمار میدارد آلمانیها

۲۱۲ هواپیمای آلمان درجهبه خاور نابود شد ۶۵ هواپیمای وی طی حمله بر کورسک از دست رفت حمله متقابله بزرگ آلمانیها در لیبی جانک بهمدم موفقیت منجر گردید

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

۹۹ درصد مجروحین ارتش سرخ بهبودی یافته اند

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

۹۹ درصد مجروحین ارتش سرخ بهبودی یافته اند

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

۹۹ درصد مجروحین ارتش سرخ بهبودی یافته اند

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.

مخالف لشگری برلن شایه استغای ژاکسی را تکذیب میکنند.

استکهلم - از برن خبر رسیده است که افشاشات شدیدی در کاسل بوجود آمده است در اثر اطمینان آسایش شهر مزبور باقیه آلمان قطع شده است.

منازعاتی بین اهالی نیروی شهر بانی تولید گشته و کالین پروتو رئیس کشتابو بوسیله هواپیمای کا، ل رفته است.